یادداشت

مهدی حسن‌زاده

چه چیزی مهم‌تر از گزارش مذاکرات برای آنتن سیما؟

شامگاه سه‌شنبه پیش‌خبر مصاحبه تلویزیونی رئیس هیئت مذاکره‌کننده کشورمان منتشر و اعلام شد قالیباف در گفت‌وگویی تلویزیونی به پرسش‌ها و ابهام‌ها درباره تفاهم اخیر پاسخ می‌دهد. ساعتی بعد گفت‌وگوی ضبط شده تلویزیونی وی شروع شد، اما پخش این گفت‌وگو پس از ۵۰ دقیقه و در حالی که فقط حدود ۲۰ دقیقه از آن باقی مانده بود، ناگهان متوقف شد؛ آن هم نه در پایانِ بخشی از گفته‌ها؛ بلکه درست در وسط ادای جمله. مرور ویدئو این گفت‌وگو در سایت تلوبیون هم نشان می‌دهد در کمال شگفتی، توقف پخش این گفت‌وگو، درست در وسط جمله قالیباف بوده و حتی تأملی برای اینکه اجازه داده شود جمله وی به انتها برسد و پاسخ پرسش مجری به طور کامل داده شود، صورت نگرفته؛ اتفاقی که هیچ توضیحی هم از سوی رسانه ملی درباره آن منتشر نشده است.

این روزها که آماده تشییع تاریخی پیکر رهبر شهید انقلاب و ثبت حماسی‌ترین حضور ملی در خیابان‌ها برای بدرقه پیکر آقای شهید و دردانه عزیز ملت ایران هستیم و در شرایطی که پس از جنگی سخت، در مذاکراتی حساس و شرایطی سرنوشت‌ساز در تقابل با آمریکا قرار داریم، طبیعتاً باید سنجیده‌تر عمل کنیم. قطعاً پاسخ‌گویی رسانه‌ای رئیس هیئت مذاکره‌کننده و پاسخ صریح وی به پرسش‌های چالشی مجری، فرصتی مناسب برای شفاف‌سازی و نظارت‌پذیر کردن روند مذاکرات است. رهبر معظم انقلاب نیز در پیام خود درباره تفاهم اخیر ایران و آمریکا اعلام کردند ملت ایران منتظر تحقق شروط گفته شده در تفاهم هستند. شرط نظارت ملی بر تفاهم؛ شنیدن توضیحات رئیس هیئت مذاکره‌کننده و اطلاع از پاسخ‌های وی درباره ابهام‌ها و چالش‌های روند اجرای تفاهم است. اگر مهم‌ترین دغدغه سیاسی مردم در هفته‌های اخیر را اطلاع از روند اجرای تفاهم و تحقق شروط و منافع ایران از این تفاهم بدانیم، واضح است که باید فرصت کافی و فضای مساعد و بدون دخالت‌های غیرمنطقی در روند ارائه توضیحات رئیس هیئت مذاکره‌کننده فراهم شود.

به نظر می‌رسد پس از اتفاقات تلخی مثل ارائه اسناد محرمانه و مکاتبات شورای عالی امنیت ملی و رهبر معظم انقلاب روی آنتن زنده تلویزیون، قطع پخش سخنان غیرزنده (ضبط شده) رئیس هیئت مذاکره‌کننده و ناتمام گذاشتن فرایند پاسخ‌گویی وی و همچنین طرح بهانه‌های سستی مثل دو تکه کردن گفت‌وگو به دلیل طولانی بودن آن! و پخش بخش دیگر آن در روزهای بعد، پرده دیگری از عملکرد غیرحرفه‌ای و آلوده به اعمال سلیقه در صداوسیما باشد.

روشن است فضای حساس کشور و نیاز افکار عمومی به اطلاع‌رسانی درباره مذاکرات به گونه‌ای است که نباید پارازیت‌های رسانه‌ای به غبارآلود کردن فضای سیاسی و تشدید ابهام در آن بینجامد، بلکه صداوسیما موظف است شرایط کاملاً مناسب و منطقی را برای گزارش‌دهی درباره مذاکرات ایجاد کند. امید اینکه بساط این گونه اقدام‌های سلیقه‌ای و غیرحرفه‌ای در صدا و سیما برچیده شود.

یادداشت

حسن احمدی‌فرد

حرمت این هفته را نگه داریم

پدر ستون خانه است؛ رکن رکینی که خیمه خانواده را برقرار نگاه می‌دارد. جایگاه پدر، حرمت دارد؛ به‌ویژه آن گاه که چشم از جهان فروپوشیده باشد. این آموزه اصیل ایرانی است؛ و ما، ما ایرانی‌ها، با همین آموزه‌های اخلاقی است که یک خانواده شده‌ایم و یک خانواده مانده‌ایم.

حالا پدر این خانواده، از دست رفته است؛ پدر این خانواده شهید شده است و جامعه عزادار ایرانی، حالا که کار جنگ و جهاد و مقاومت و ایستادگی را پرداخته، مجالی یافته تا در سوگ پدر مویه کند؛ تا کوس عزا بزند و رخت سیاه بپوشد و خاک مصیبت بر سر کند.

جامعه ایرانی عزادار است؛ مردم از پس هفته‌ها که نمی‌خواستند دشمن، اشکشان را ببیند، حالا می‌خواهند با دست و دلی باز، گریه کنند و آن تن عزیز، آن تن مجروح، آن تن اربا اربا را بر دوش بگیرند، در آغوش بکشند و به خاک بسپارند. این روزهای پیش رو، روزهای عزاست؛ روزهای سوگواری است؛ و سوگ، آن هم سوگ پدر حرمت دارد. کاش سیاستمردان، به حرمت این داغ بزرگی که بر دل‌های مردم نشسته، دست‌کم در این روزها، دست از بداخلاقی‌ها بردارند و نگذارند دل‌های عزیز عزادار، به تیغ تیز آزارهایی از این دست، آزرده شوند.

این درست که گروهی از جمع آن جماعت سیاست‌پیشه، به‌ویژه در این هفته‌ها از هیچ بی‌اخلاقی‌ای فروگذار نکرده و از افشای محرمانه‌ترین پیام‌ها گرفته تا تهمت‌زنی به کارگزاران نظام مقدس، فهرست بلندبالایی از بزهکاری‌های سیاسی را در کارنامه خود فراهم آورده‌اند، اما دست‌کم از دیگر گروه‌های سیاسی توقع می‌رود که حرمت‌شناسی کنند؛ بر این آتش فتنه ندمند و غبار بیشتری از این معرکه برنیانگیزند. مجال برای طرح اینکه کدام عضو کدام شورا، به تصمیمی جمعی، رأی مثبت داده یا نداده؛ در هفته‌های بعد هم فراهم است. می‌توان تفسیر تفاهم‌نامه را و اینکه نگرشی در جامعه به دلیل تجربه، آن را از اساس نفی می‌کند یا نمی‌کند، در مجالی دیگر هم پی گرفت. این هفته را بگذاریم این مردم به داغ دلشان بسوزند. این هفته هفته سوگ است. حرمت این هفته را نگه داریم.

فرمانده پیشین سنتکام از ضرورت بازنگری آرایش پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در خاورمیانه می‌گوید

دژهای شیشه‌ای آمریکا در خلیج‌فارس

محسن فاطمی‌نژاد | «هیچ فرد عاقلی مقر فرماندهی سنتکام را تنها ۱۰۰ مایل دورتر از ایران قرار نمی‌دهد»، این جمله ژنرال مک‌کنزی، فرمانده سابق سنتکام (فرماندهی مرکزی آمریکا) که اخیراً در نشستی مجازی ایراد شده، آدم را یاد آن حکایت سعدی می‌اندازد که نوشته بود: «هندویی نفت‌اندازی همی آموخت. حکیمی گفت تو را که خانه نِیین است، بازی نه این است». حالا حکایت آمریکایی‌ها و مکان‌های استقرارشان در خلیج فارس در برابر توان پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی ایران، همین است؛ پایگاه‌ها حکم همان خانه‌های از نِی ساخته شده هندوها را دارند و ماجراجویی‌ها و جنگ‌طلبی‌هایشان در منطقه نیز نقش پاشیدن نفتی که در دهان نگه داشته‌اند بر مشعلی که در دست دارند را ایفا می‌کنند. دمیدن بر شعله جنگ، نهایتاً آن‌ها را در این خانه‌های نِیین خواهد سوزاند و موشک‌ها، شیشه‌ای بودن این دژها را به آن‌ها یادآور خواهند شد.

همین مسئله، موضوع گزارش جدید نیوزویک است که در آن اذعان شده حملات گسترده ایران به پایگاه‌های آمریکا در منطقه، پرسش‌های تازه‌ای را درباره آینده حضور نظامی واشنگتن در نزدیکی خلیج فارس ایجاد کرده است؛ تا جایی که برخی فرماندهان پیشین آمریکایی معتقدند زمان بازنگری اساسی در آرایش نیروهای آمریکا در این منطقه فرارسیده است.

نیوزویک در این گزارش به قلم تام اوکانر، نویسنده ارشد حوزه سیاست خارجی و معاون سردبیر بخش امنیت ملی و سیاست خارجی خود، نوشته است که هدف قرارگرفتن مکرر پایگاه‌های آمریکا توسط ایران، تردیدهای جدی درباره دوام مدل سنتی استقرار پایگاه‌های بزرگ و ثابت نظامی در نزدیکی ایران ایجاد کرده است.

این گزارش می‌نویسد یکی از صداهای برجسته‌ای که خواستار تغییر در نحوه استقرار نیروهای آمریکایی شده، فردی است که تا همین چند سال پیش مسئولیت شبکه گسترده پایگاه‌های واشنگتن در منطقه را بر عهده داشت.

ژنرال کنت اف. مک‌کنزی جونیور، فرمانده پیشین فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) گفته مدت‌هاست بر ضرورت تغییر در این زمینه تأکید دارد و درگیری اخیر با ایران نیز این باور او را تقویت کرده است؛ اینکه تجهیزات، سامانه‌های تسلیحاتی و قابلیت‌های نظامی آمریکا باید بیش از گذشته به سمت غرب منتقل شوند.

مک‌کنزی در جریان یک نشست مجازی که توسط مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا (JINSA) برگزار شد و خبرنگار نیوزویک نیز در آن حضور داشت، گفت: «کاری که باید انجام دهید این است که این زنجیره پایگاه‌ها را به سمت غرب گسترش دهید؛ جایی که دیدن شما برای ایرانی‌ها سخت‌تر باشد و هدف قرار دادنتان برای آن‌ها دشوارتر شود». او البته اضافه کرد در بلندمدت باید پذیرفت موشک‌های ایران برد بیشتری پیدا خواهند کرد، اما تأکید کرد: «من فعلاً دارم مشکل امروز را حل می‌کنم».

■تفکری که موشک‌های ایران آن را باطل کرد

نیوزویک در ادامه گزارش خود آورده مک‌کنزی، پایگاه هوایی العُدید قطر که مقر فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه است را نمونه‌ای از یادگار تفکر قدیمی توصیف کرده؛ آن هم در دوره‌ای که جنگ‌های ترکیبی مدرن ارزش راهبردی پایگاه‌های بزرگ و ثابت را در خاورمیانه، آسیا-اقیانوسیه و اروپا زیر سؤال برده‌اند.

او گفت: «ما باید توانایی جابه‌جایی داشته باشیم، باید بتوانیم درباره مکان واقعی استقرارمان دشمن را دچار خطا کنیم. این موضوع نیازمند مدیریت جدی انتشار سیگنال‌های الکترومغناطیسی، شناخت آنچه در فضا ما را رصد می‌کند و چگونگی مقابله با آن است». به گفته مک‌کنزی، آمریکا باید نه‌تنها درک پیشرفته‌ای از سامانه‌های نظامی فضایی داشته باشد، بلکه باید بداند چگونه از انبوه تصاویر ماهواره‌ای تجاری موجود در جهان به نفع خود استفاده کند و مانع بهره‌برداری دشمنان از آن‌ها شود.

او افزود: «باید بدانیم و مسلط باشیم که چگونه از این توانایی برای کمک به خودمان و ضربه زدن به دشمنان احتمالی استفاده کنیم. این درس‌ها در هر درگیری و هر نقطه‌ای از جهان کاربرد دارد». در مورد خاورمیانه، مک‌کنزی پیشنهاد کرد اسرائیل یکی از گزینه‌های اصلی برای تمرکز بخشی از تجهیزات ارزشمند نظامی آمریکا باشد؛ زیرا این کشور از شبکه دفاع هوایی قدرتمندی برخوردار است.

او در عین حال معتقد است آمریکا می‌تواند همچنان سطحی از حضور خود را در برخی نقاط کلیدی خلیج فارس حفظ کند، اما با تمرکز بیشتر بر دفاع ضدموشکی و مقابله با پهپادها، تقویت استحکامات و افزایش همکاری با کشورهای میزبان.

این ژنرال بازنشسته آمریکایی معتقد است چنین تغییری می‌تواند راهبرد فعلی واشنگتن را با شرایط جدید هماهنگ کند؛ چرا که ریشه استقرار پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس به دوران جنگ سرد بازمی‌گردد، زمانی که هدف اصلی، حفاظت از منطقه نفت‌خیز خلیج فارس در برابر تهدید اتحاد جماهیر شوروی بود.

بعدها نیز همین پایگاه‌ها برای عملیات‌های پس از حملات ۱۱ سپتامبر و جنگ‌های ضدتروریسم مورد استفاده قرار گرفتند.

مک‌کنزی گفت: «آنچه امروز داریم، در واقع محصول تصمیم‌های قدیمی درباره نحوه استقرار نیروهاست. هیچ فرد عاقلی مقر پیشرو سنتکام را تنها ۱۰۰ مایل دورتر از ایران قرار نمی‌دهد؛ اما این اتفاق افتاد، چون زمانی که این مکان انتخاب شد، ذهن مادرگیر عراق، افغانستان و مسائل دیگری بود، نه تهدید رو به رشد ایران». او افزود: «پیش‌بینی، قلب خرد است و هنگام انتخاب محل مقر سنتکام، خرد چندانی در کار نبود».

روزشمار جنگ | روز صد و بیست و چهارم

ایران: اجرای پنج بند، پیش‌شرط هر گام بعدی

آغاز «راستی‌آزمایی» در دوحه

گروه سیاسی | صد و بیست و چهارمین روز تقابل، آغازگر فاز تازه‌ای از مناقشه با عنوان «اجرای تفاهم‌نامه» بود. در حالی که اخبار روزهای گذشته بر امضای یک تفاهم‌نامه دوصفحه‌ای میان تهران و واشنگتن متمرکز بود، تحولات ۲۴ ساعت اخیر نشان داد گام برداشتن از «توافق کاغذی» به «تعهدات عملی»، مستلزم فرایندی پیچیده و زمانبر است. حضور همزمان کارگروه‌های فنی ایرانی و آمریکایی در دوحه، بدون برگزاری نشست مستقیم مقامات ارشد، گویای آن است که ایران بر اجرای گام‌به‌گام تعهدات، به‌ویژه در حوزه‌های مالی و امنیتی اصرار دارد و پیش از هر گونه تعامل مستقیم، به دنبال وصول مطالبات خود از واشنگتن است.

■عبور از دیپلماسی نمایشی

مهم‌ترین تحول روز گذشته، آغاز مذاکرات در سطح کارشناسی میان ایران و آمریکا در پایتخت قطر است. به گزارش منابع مطلع، دست‌کم سه کارگروه تخصصی در دوحه مستقر شده‌اند که به ترتیب روی پرونده‌های هسته‌ای، مسائل مالی و بازگشت دارایی‌های مسدودشده و همچنین دیپلماسی مرتبط با اجرای تفاهم‌نامه تمرکز دارند. این ساختار نشان می‌دهد طرفین وارد فاز راستی‌آزمایی عملی و ترجمه مفاد سیاسی به اقدام‌های عینی شده‌اند. نقش میانجیگران قطری و پاکستانی در این مرحله، حائز اهمیت است؛ چراکه وظیفه ارائه راهکارهای فنی برای دستیابی به توافق‌های مقدماتی را بر عهده دارند تا در نهایت، برای تصمیم‌گیری به مقامات ارشد دو کشور ارجاع داده شود.

■گره اصلی؛ آزادسازی دارایی‌ها و تعهدات لبنان

ایران در این دور از مذاکرات، موضعی صریح و مبتنی بر اولویت‌های خود اتخاذ کرده است. تهران اعلام کرده تا زمانی که پنج بند کلیدی تفاهم‌نامه به اجرا درنیاید، حاضر به مذاکره درباره سایر موضوعات نیست. در صدر این خواسته‌ها، آزادسازی منابع مالی مسدودشده قرار دارد که رقم آن در قطر حدود ۶ میلیارد دلار و در هفت کشور دیگر جهان افزون بر ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. جمهوری اسلامی تأکید دارد این منابع باید در اختیار بانک مرکزی ایران قرار گیرد تا امکان خریدهای بین‌المللی فراهم شود. در کنار این موضوع، اجرای بند مربوط به پایان جنگ در لبنان و خروج نیروهای اسرائیلی از این کشور، به عنوان یکی دیگر از شروط اصلی ایران برای پیشبرد مذاکرات مطرح است. تهران معتقد است رژیم صهیونیستی با ادامه حملات و تلاش برای اشغال مناطق راهبردی در جنوب لبنان، در حال تضعیف تفاهم‌نامه است و آمریکا باید متحد خود را مهار کند. این رویکرد، واشنگتن را در موضعی دشوار میان «تأمین خواسته‌های نظامی تل‌آویو» و «جلوگیری از فروپاشی تفاهم‌نامه با ایران» قرار داده است.

■هرمز؛ میدان آزمون حاکمیت دریایی

در حوزه امنیت دریایی، تنگه هرمز همچنان به عنوان یکی از محورهای اصلی مناقشه مطرح است. اصرار ایران بر اینکه مدیریت امنیتی و ناوبری در این آبراه، بخشی از حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی است، با خواسته آمریکا مبنی بر «آزادی بی‌قید و شرط ناوبری» در تعارض است. همزمان، اخبار حاکی از آن است که با وجود هشدارهای ایران مبنی بر استفاده از مسیرهای غیرمجاز، ۲۱ کشتی از جمله نفتکش‌ها همچنان از مسیر تعیین‌شده از سوی عمان برای عبور از تنگه استفاده می‌کنند. این مسیر که با هماهنگی سازمان بین‌المللی دریانوردی اعلام شده، عبور کوتاه‌تر و رایگانی را برای کشتی‌ها فراهم می‌کند. در تازه‌ترین تحول، یک کشتی کانتینری خارجی به دلیل حرکت در خارج از مسیر تعیین‌شده از سوی ایران، در آب‌های کم‌عمق تنگه هرمز به گل نشسته است. این رویداد، بار دیگر بر ریسک‌پذیری ناوبری در این آبراه حساس و تأکید ایران بر انحصار خود بر مسیرهای عبوری صحه می‌گذارد.

گزارش

رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران در تلویزیون بر چه مواردی تکیه کرد؟

۶ نکته قالیباف درباره تفاهم اسلام‌آباد

هدایت جاوید | محمدباقر قالیباف، رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران، در برنامه‌ای تلویزیونی، به ارائه نقطه نظرات خود درباره تحولات منطقه، تفاهم اسلام‌آباد و گفت‌وگوهای سوئیس پرداخت که فارغ از حاشیه‌های ایجاد شده بر سر قطع ناگهانی قسمت پایانی مصاحبه، دارای نکات مهمی است که توجه به آن خالی از لطف نیست.

■اجرای پله به پله مفاد توافق

در بخشی از گفت‌وگوی رسانه‌ای، قالیباف اظهار کرد: «ایران حتماً پنج شرط اولیه و اصلی تفاهم‌نامه را با جدیت دنبال می‌کند. سفری که به زوریخ داشتم نیز با هدف پیگیری اجرای مواد ۱، ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱ صورت گرفت. برخی تعهدات بلافاصله اجرا شد مانند رفع محاصره دریایی. برخی دیگر مانند عقب‌نشینی نظامیان صهیونیست از لبنان، تثبیت مدیریت ایران بر تنگه هرمز و آزادی پول‌های بلوکه شده باید روند اجرای آن‌ها آغاز شود. بنابراین، آنچه جریان دارد گفت‌وگو برای هماهنگی و اجرای توافق‌هاست، نه مذاکره بر سر مفاد جدید». با استنتاج از این بخش از اظهارات رئیس هیئت مذاکره‌کننده، می‌توان گفت یکی از تمهیدات مثبت لحاظ شده در توافق اخیر، اجرای گام به گام آن است. در برجام برخلاف طرف مقابل، ایران تعهدات خود را کامل اجرایی و این توافق را به سند امتیازگیری یک‌طرفه غرب تبدیل کرد. در شرایطی که برخی با توجه به تجربه‌های گذشته نسبت به نیت آمریکا در انجام تعهدات ابراز تردید می‌کنند، اجرای پله به پله مفاد توافق که گذر از هر مرحله را به تثبیت منافع کشورمان منوط کرده و گره‌زده، نکته‌سنجی دقیقی است که در سخنان قالیباف دوباره بر آن تأکید می‌شود.

■برگ برنده را برای شرایط اضطرار نگه داریم

اگرچه برخی این روزها در راستای فشار بر دشمن، با ارائه تحلیل‌های جوروا جور و فضایی، نسخه‌های پرهزینه مانند خروج از ان‌پی‌تی، بستن دوباره و کامل تنگه هرمز و... را به تیم مذاکره‌کننده پیشنهاد می‌دهند، اما برخلاف چنین ایده‌های احساسی سخنان قالیباف نشان داد نگاه تصمیم‌سازان به روندهای جاری کاملاً حساب شده است. در این باره می‌توان به هشدار رئیس مجلس درباره جوسازی‌ها درخصوص نحوه مدیریت ایران بر تنگه هرمز اشاره کرد که گفت: «ما نباید تنگه را به ضدخودش تبدیل کنیم. هرمز زمانی ارزشمند است که روز به روز آمد و شد در آن بیشتر شود، نه کمتر». آن گونه که قالیباف تأکید کرده، ایران تحت هیچ شرایطی از حقوق خود در تنگه هرمز کوتاه نمی‌آید و این آب‌های سرزمینی ماست. با این حال برخلاف برخی دیدگاه‌های افراطی، او در نگاهی منطقی و درست معتقد است بستن بی‌برنامه و طولانی مدت آبراه، طرف‌های مختلف دارای منفعت از خلیج فارس را به فکر دور زدن تنگه خواهد انداخت؛ همان گونه که عربستان، عراق و امارات چنین طرحی را روی میز دارند و به مرور این ابزار قدرت و فشار را از دست ما خارج خواهند کرد، ازاین‌رو باید این برگ برنده را برای شرایط اضطرار نگه داشت.

■گله از برخی رفتارها و مواضع نامعقول

گله از برخی رفتارها و مواضع نامعقول که منافع ملی را در معرض تهدید قرار می‌دهد قسمت مهم دیگر مصاحبه اخیر است. قالیباف در جایی این گونه اظهارات نادرست برخی منتقدان را زیر سؤال برد: «می‌گفتند رفع تحریم وعده سر خرمن است، تحریم‌ها رفع شده و نفت ما گران‌تر فروخته می‌شود». در جایی گِله کرد: «ببینید حزب‌الله و شیخ نعیم قاسم نسبت به تفاهم‌نامه چه موضعی دارند و برخی دوستان ما در داخل چه موضعی دارند». در نهایت برخی منتقدان را به نگاه سیاسی متهم کرد و آن‌ها را چنین انذار داد: «به خاطر مشکلات سیاسی با منِ قالیباف حقوق ملت را از بین نبرید. این انصاف نیست؛ امروز همه در میدان دفاع از حقوق مردم هستیم و نباید اختلافات سیاسی به منافع ملی آسیب بزند. کسانی که حرف ترامپ فاسق را قبول می‌کنند یک بار حرف برادر دینی خود را هم بشنوند».

■قدرت و منطق در کنار یکدیگر

قالیباف در بخشی از این گفت‌وگوی رسانه‌ای اظهار کرد: «اگر طرف مقابل تعهداتش را اجرا نکند، برای جنگ آماده‌ایم». با این حال جمله او یک تکمله دارد که لازم است مد نظر باشد؛ «وقتی می‌توانیم گرهی را با دست باز کنیم آیا ضرورتی وجود دارد که آن را با دندان باز کنیم؟». در دیدگاه قالیباف به عنوان یک رزمنده، مذاکره نه تسلیم بلکه بخشی از جنگ است اما با ابزاری دیگر. به تعبیر دیگر در جمهوری اسلامی، قدرت و منطق در کنار یکدیگر قرار دارند. ما همزمان گفت‌وگو می‌کنیم و هر جا زبان منطق و تفاهم‌نامه کارآمد نباشد، از زبان قدرت استفاده خواهیم کرد.

■گله از صدا و سیما

گله از صدا و سیما هم جالب است. در شرایطی که پیش‌تر مسعود پزشکیان روایت‌های صدا و سیما از شرایط کشور را غیرواقعی خوانده و خواستار بازنگری جدی در رویکرد رسانه ملی شده، رئیس هیئت مذاکره‌کننده نیز نوع پوشش اخبار جاری در تلویزیون را مورد نقد قرار داد و گفت: «اینکه تلویزیون تحولات لبنان را برجسته می‌کند خوب است اما گاهی به این موضوع هم اشاره کند که شرایط لبنان چطور بود و الان چطور شده. خوب است ببینیم شیخ نعیم قاسم و مردم لبنان درباره این تفاهم چه می‌گویند و برخی دوستان ما در داخل چه می‌گویند».

■توجه ویژه وی به اقتصاد جامعه

در نهایت برخلاف برخی نگاه‌های تک‌بعدی که تنها بر طبل جنگ می‌کوبند، اظهارات قالیباف بیانگر توجه ویژه وی به حیطه اقتصادی جامعه است. رئیس مجلس که چندی پیش در نشستی اقتصادی با بیان اینکه «باید سنگر را از نیروهای لانچر تحویل گرفت و مردم را از فشار اقتصادی نجات داد»، ثابت کرد بحق نگران وضعیت معیشتی مردم است و در مصاحبه نیز این دغدغه را فریاد زد. او که محاصره دریایی آمریکا علیه بنادر ایران را «شدیدترین نوع جنگ» علیه «مردم و نان مردم» خواند در ادامه گفت: «طی چند روز اخیر بیش از ۴۰ میلیون بشکه نفت صادر شده است. این قدرت جمهوری اسلامی است. از آن لذت ببرید، به آن افتخار کنید و پای آن بایستید. باید فشار اقتصادی را از روی دوش مردم برداریم. ما این کار را با عزت انجام دادیم و این سند شکست آمریکاست».